

پشت‌بوم



حسین هاشم‌پور

شگفت‌از‌گزارش «شرق»

● گزارش خبری «شرق» «هشت تصویر از حراج تهران»، در همین صفحه، یکشنبه‌ای که گذشت، شگفت‌زده‌ام کرد؛ به‌خصوص آنکه گویا ازسوی گروه هنر روزنامه تهیه شده بود!

«شرق» که هماره در پیشبرد اقتصاد هنر نقش‌آفرینی کرده، حتی حراجی‌های خارجی را با آپ‌وناب بازتاب و چه‌بسا تیتز صفحه‌اول به آنها داده، رکوردشکنی یکپاسو، اندی واره‌ول و ادوارد مونش را برجسته کرده، اکنون درباره یک پدیده مشابه وطنی، از منظر فقیر و غنی گزارشگری کرده است!

به‌عنوان روزنامه‌نگار هنری که در دوره‌های مختلف «شرق» نوشته‌هایی داشته، دور از انصاف است اشاره نکنم «شرق» در شش دوره گذشته حراج تهران رویکردی مشوقانه توأم با نقادی‌های حرفه‌ای بروز داده و به‌ناگاه در دوره هفتم فراری و پورشه خریداران آثاری هنری را لید آورده است!

یک: وقتی سال ۹۲ در دومین حراج تهران، تابلویی از سهراب سبهری ۷۰۰میلیون تومان چکش خورد، یک بخش خبری در تلویزیون انتقاد کرد «درحالی‌که مردم گرفتار خرج روزانه‌شان هستند، یک تابلو نقاشی در تهران ۷۰۰میلیون تومان به فروش رسید».

البته گوش شیطان نگ، کلاه صداوسیمیا به این پدیده درست شده است؛ احتمالا به‌تحقیق بی‌برده‌اند حراج تهران می‌تواند در راستای اقتصاد مقاومتی تعریف شود و حتی در امر کارآفرینی در گستره هنر راهگشایی کند؛ اما شگفت که اکنون، روزنامه اصلاح‌طلب توسعه‌خواه شرق، دچار همان اشتباه استراتژیک شده است.

دو: نمی‌دانم با سهراب سبهری سه‌میلیارد و صدمیلیون تومانی، خانم و آقایی که در متن گزارش «شرق» در حال چرتکه‌انداختن بودند، چند باب خانه می‌توانند بخرند، اما واقعا حتی شوخی‌اش هم خوب نیست که قیمت آثار قلمه‌های هنری ما این‌قدر پایین باشد؛ درحالی‌که کشورهای عرب اطرافمان در تکاپوی برندسازی نقاشانی مانند محمود سعید، شفیق عبود، لویا کیایی، فاتح مدرس و حتی نقاش جوانی مانند ایمن بعلبکی و... هستند، «شرق» منتقد میلاردی‌شدن سهراب است؟ هنوز قیمت آثار سهراب و بسیاری از هنرمندان ناب ایران از اوتومبیل‌هایی که در شهر ویران می‌دهند بسیار پایین‌تر است، اگر سهراب یکی، دومیلیونی بماند که دو دهه پیش بود، باقی نقاشان از جمله دانشجویان نقاشی چگونه از راه هنر روزگار بگذرانند؟ خداراشکر در کنار گزارش مورد بحث، بانوی فرهیخته، لیلی گلستان، در یادداشتی درباره قیمت و اصالت این آثار نکاتی مهم نوشته‌اند، ازاین‌رو به گمانم ادامه‌دادن این نکته برای خواننده آگاه «شرق»، تلف‌کردن وقت است.

سه: «متقلبین غریبه نیستند» و «دادگاه ویژه اصالت آثار هنری»، سوم و دهم آذرماه ۱۳۹۴ تیتز این ستون بود که خواستار رسیدگی سریع به وضعیت تولید آثار هنری تقلبی شدم؛ اما به‌حتم دامن‌زدن به شایعات و بداخلاقی‌های رایج‌شده در این عرصه، کمک به قدرت‌گرفتن متقلب‌ها و ضربه‌زدن به بازار نوپای هنر ایران است؛ تقلبی‌خواندن هر چیزی نیازمند سند و مدرک است، درخصوص آثار هنری دودندان؛ غریب است روزنامه وزین شرق گزارش خبری‌اش را آغشته به شایعات پوچ کند.

چهار: بیرزنی که نان خشک در آب می‌زند مطلع گزارش «شرق» از حراج تهران است؛ رویکردی پوپولیستی‌که منظره‌های انتخاباتی اخیر و شعارهایی که جامعه را به چهار درصد و ۹۶ درصد تفکیک می‌کرد به یاد می‌آورد.

پنج: شکاف طبقاتی و فقر در هرجایی که باشد جانسوز و درد همگانی ست، اما جسدبان آن به رویدادهایی که می‌تواند ایران را یک قدم به جلو ببرد این شکاف را پر نمی‌کند، عمیق‌تر می‌کند؛ حراج تهران، رویدادی در بخش خصوصی است که در معطلم‌ترین اوضاع اقتصادی، بدون چشمداشت به بیت‌المال، توانست حجمی قابل‌ملاحظه از سرمایه‌های سرگردان را به هنر تزریق و ده‌ها نقاش پیر و جوان را برای اولین‌بار به مارکت هنر معرفی کند، به گمان من، این رویداد اتفاقی در مسیر کاستن از شکاف‌ها قدم برمی‌دارد.

شش: حراج تهران مانند هر رویداد دیگری نقاط قوت و ضعف بسیار دارد، اما بدون تردید، خریداران آثار هنری در زمره نقاط قوت پررنگ آن محسوب می‌شوند، زیرا به‌جای انباشت پول در سکه، زمین و دلار، در هنر سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ چنین فراری‌سورانی شایسته تقدیرند. برخی از آنها گالری‌دارانی هستند که بدون یک ریال وام دولتی، به سرانه فرهنگی شهر اضافه کرده‌اند و برخی دیگر مجموعه‌دارانی هستند که اگر آثار هنری نمی‌خریدند، امروز ایران از بزرگان هنر خالی مانده بود.

داوود رشیدی یکی از نام‌آوران و تأثیرگذاران هنر‌نمایش در عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون ایران بود که پنجم شهریور سال گذشته بر اثر بیماری درگذشت. تأثیرات این هنرمند بر فرهنگ و هنر ایران غیرقابل‌انکار است، به‌طوری‌که از برخی از میراث هنری برجای‌مانده از او هنوز رونمایی نشده‌اند! تا پنجم شهریور قریب یک ماه‌اندی باقی مانده است تا نخستین سالگرد فقدان این هنرمند برگزار شود، اما پیش از آن، خانواده رشیدی تصمیم گرفته‌اند که زادروز او را نیز گرامی بدارند. به قول احترام برومند، همسرزنده‌یاد رشیدی، «تولد هم به اندازه مرگ آقای رشیدی برایمان اهمیت دارد. به همین دلیل خواستیم روز تولد داوود رشیدی که ۲۵ تیرماه است را هم گرامی بداریم؛ او‌ی‌که برای همه ما همچنان عزیز و زنده است». در ۲۵ تیر ۱۳۱۲ در یکی از محلات تهران مردی به دنیا آمد که هنر ایران وادار او شد. نام کامل خانوادگی او رشیدی‌حائری است. پدر او سفیر، پدرزکش، علامه شیخ محمد حائری، از روحانیان مشروطه‌خواه و جدش از مراجع تقلید عصر قاجار بود. او تحصیلات تکمیلی خود را در پاریس و سوئیس به پایان رساند و به دلیل تسلطش بر زبان فرانسه نمایش‌نامه‌های ارژمندری را به زبان فارسی ترجمه کرد. «پرووزی در شب‌کاکو» است. داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، جمشید فریدن گله، «هیولای درون» خسرو سبایی، «شبلات» رضا میروچی، «گل‌های داوودی» رسول صدرعاملی، مقش شش‌انگشتی در سریال «هزارستان» و... نمایانگر بخشی از توانایی‌های منحصر‌به‌فرد او بود. جدا از آن در تعدادی از تئاترهای تلویزیونی بازی و حتی کارگردانی کرد که برگسترش فرهنگ دیدن نمایش مردم تأثیرات بسزایی برجای گذاشت. از جمله تئاترهای به‌یادماندنی او «پرووزی در شب‌کاکو» است. داوود رشیدی، عزت‌الله انتظامی، جمشید مشایخی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز و جعفر والسی از بزرگان هنر ایران هستند که از تئاتر به سینما ورود پیدا کردند. رشیدی دارای دو فرزند به نام‌های فرهاد (دانشمند ایرانی مقیم سوئیس) و لیلی، بازیگر تلویزیون، تئاتر و سینماست و همین‌طور احترام برومند، همسر رشیدی که از مجری‌های بنام و موفق برنامه‌های کودک در تلویزیون ایران بود. به بهانه زادروز استاد رشیدی، با احترام برومند گفت‌وگو کردیم که می‌خواند.

۱۱ تا پنجم شهریورماه یک‌ماه‌اندی باقی مانده است، برای برپایی مراسم نخستین سالگرد استاد رشیدی چه برنامه‌های تدارک دیده‌اید؟

خب به قول شما تا آن زمان هنوز یک‌ماهی فرصت داریم، اما قبل از آن می‌خواهیم زادروز داوود را در ۲۵ تیرماه برگزار کنیم. تولد هم به اندازه مرگ آقای رشیدی برایمان اهمیت دارد. به همین دلیل خواستیم روز تولد داوود رشیدی را که ۲۵ تیرماه است هم گرامی بداریم؛ او‌ی‌که برای همه ما همچنان عزیز و زنده است. به نظرم حیف است که تولد را به‌کلی فراموش کنیم. به‌دنبایمان هم خیلی مهم است، چون اگر تولد نبود، مرگ هم معنایی

برگزاری سمینار «متریال: رفتار و فرم»

کروه هنر: سمینار «متریال: رفتار و فرم» امروز در محل سالن همایش‌های شماره یک نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار می‌شود. بابک بهرامی، دبیر سمینار «متریال: رفتار و فرم» با بیان خبر فوق گفت: ایجاد ارتباط مؤثر بین صنعت سنگ و هنرمندان معمار از طیف دانشگاه و بازار از اهداف اصلی نهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ‌های تزئینی و سمینار جانبی آن است. با توجه به روند اصلی معماری جهان در توجه به معماری پایدار، صنعت سنگ یکی از صنایع دوستدار محیط زیست و متناسب با اقلیم ایران است که امیدواریم برگزاری این سمینار و برنامه‌های مشابه، زمینه شناخت بهتر و نگاه متفاوت به ظرفیت‌های عظیم این صنعت از طرف مصرف‌کنندگان، و طراحان باشد و شاهد خلق آثاری فاخر و ماندگار باشیم.افزود: استفاده از مصالح بومی و سازگار با محیط زیست با طول عمر بالا و درعین‌حال زیبا، یکی از اهداف همه دست‌اندرکاران صنعت ساختمان است که برگزاری این سمینار در حاشیه نهمین نمایشگاه بین‌المللی سنگ تهران می‌تواند هم‌راستا با این اهداف نقش خود را در معرفی بهتر صنعت سنگ ایران با بیش از شش کارخانه و هزارو ۲۰۰ معدن با تنوع بی‌نظیر ایفا کند. بابک بهرامی گفت: در این سمینار که با حضور مقامات ارشد وزارت راه‌وشهرسازی و وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای اسلامی شهر برگزار می‌شود، حامد مظاهریان، بهمن نامورمطلق، علیرضا ثنائینی، هومن طالبی، سام تهرانی، مهرداد منیا، منوچهر سیدمرتضوی و محمدرضا نیکبخت سخنرانی خواهند کرد. این سمینار از ساعت ۱۳ الی ۱۶ برگزار می‌شود و حضور در سمینار برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.



جواد طوسی

اولین‌بار با ناصر تقوایی در ۱۶،۱۷سالگی آشنا شدم. تابستان‌ها به اتفاق پدر، مادر و برادرانم مشهد می‌رفتم و با اقوام پدری دیدار تازه می‌کردیم. خودم در این ۱۵، ۲۰ روز اقامت‌مان، پای ثابت «خیابان ارگ» بودم و همراه پدر و عموی کوچکم با پسرعمه‌هایم اغلب فیلم‌های نمایش‌داده‌شده در سینماهای این منطقه را می‌دیدیم. خیابان ارگ شباهت زیادی به «لاله‌زار» تهران داشت و بیشتر سینماهای مشهد در این محدوده مستقر بودند. یادم می‌آید در آن سال، شوهر دخترعمه‌ام که درجه‌دار نیروی هوایی بود، خبر داد یک فیلم ایرانی را که داستان زندگی یک سرهنگ بازنشسته است و مدتی توقیف بوده در یکی از سینماهای نزدیک خیابان ارگ نشان می‌دهند و احتمال دارد که زود از پرده برداشته شود. همان شب به اتفاق او (آقای امیراصلانی) و پدرم رفتم این فیلم را با نام «آرامش در حضور دیگران» دیدیم. سالن نمایش زیاد شلوغ نبود و پدرم و آقای امیراصلانی حسابی تو بحر فیلم رفته بودند. فضا و حال‌وهوای «آرامش» در حضور دیگران» با دیگر فیلم‌های ایرانی آن سال‌ها تفاوت زیادی داشت. خودم در آن سن‌وسال از سکانس عبور سرهنگ بازنشسته از مقابل دردهای دانشکده افسری در خیابان سیهر و تابش نور آفتاب از لای دردها همراه با برپایی مراسم صبحگاهی در محوطه داخلی آنجا و سکانس آخر فیلم که زن سرهنگ دستانش را از شیر دستنبوی یکی از اتاق‌های آپشنیگاه روانی پدر از آب می‌کند و به

هنر

گفت‌وگو با «احترام برومند» در آستانه زادروز استاد

برخی خدمات «داوود رشیدی» هنوز مخفی است

فرانک آرنا



نداشت. به همین دلیل قرار شده نمایشگاهی به مناسبت زادروز آقای رشیدی برگزار کنیم. البته قصدمان این بود که نمایشگاه را در چهلمین روز درگذشت آقای رشیدی برپا کنیم، اما به دلیل تقارن با ماه‌های محرم و صفر، به حرمت این‌ماه‌ها برگزار نکردیم. الان خوشبختانه آقای امیر اثاتی اعلام آمادگی کرده‌اند که نمایشگاه را ۲۵ تیرماه برپا کنیم و تا پنجم شهریورماه ادامه پیدا کند. تا از این طریق تولد و مرگ را به یکدیگر پیوند بزنیم.

۱۱ این نمایشگاه در کجا برپا خواهد شد؟

این نمایشگاه به ابتکار آقای اثاتی راه‌اندازی می‌شود و خودشان هم کارهای اجرایی آن را به سرانجام می‌رسانند. ما هم گفتیم چقدر خوب می‌شود که هم‌زمان با زادروز داوود، عده‌ای دور هم جمع شویم و به دیدن تئاتر برویم. وقتی موضوع را با آقای پیمان شریعتی، مدیر تئاتر

مجلس میهمانی امام حسین (ع) برای کودکان

کروه هنر: «مجلس میهمانی امام حسین (ع)» با حضور کودکان زیر ۱۲ سال برای حضور در هجدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی آماده می‌شود. به گزارش روابطعمومی هجدهمین جشنواره نمایش‌های آیینی سنتی، محمدحسین سلجوقی‌نژاد، شبیه‌گردان، با بیان اینکه علاقه زیادی به نسخ غرب دارم، توضیح داد: تاکنون ۱۱۴ مجلس تعزیه کار کردم که از این میان حدود هشت نسخه معروف بودند و بقیه به اصطلاح غریب هستند. وی ادامه داد: با توجه به اینکه در چهار دوره جشنواره حضور داشتم و این رویداد دارای مقاطع سنی مختلف است تصمیم گرفتم «مجلس میهمانی امام حسین (ع)» را که غریب است، در «بخش نونهالان» اجرا کنم تا پرداختن به این اثر بکر پشتوانه‌ای باشد برای گروه‌هایی که مشغول فعالیت در این حوزه هستند. سلجوقی‌نژاد با این توضیح که در «مجلس میهمانی امام حسین(ع)» شبیه‌خوان‌های زیر ۱۲ سال حضور دارند، افزود: این مجلس به سرپرستی خودم با حضور بزرگ‌سالان اجرا شده؛ ولی می‌خواستم با حضور در «بخش نونهالان» جشنواره تاکید دوباره‌ای نسبت به علاقه بچه‌ها به امام حسین (ع) داشته باشم و جوان‌ها را درباره داستان و روایت‌های مذهبی مشتاق‌تر کنم. این مجلس با حضور بچه‌ها تغییراتی داشته و زمان آن کوتاه‌تر شده است. وی کارکردن با بچه‌ها را سخت توصیف کرد و گفت: با توجه به صدا و تیپ، شبیه‌خوان‌های کودک را انتخاب کردم. نزدیک به شش ماه تمرین داشتیم تا میزانس، ردیف موسیقی و ردیف آوازی را به آنها یاد بدهم. «مجلس میهمانی امام حسین (ع)» نسخه‌ای اصل از دوران قاجار است. این اثر درباره حبیب من‌ظاهر و علاقه او به امام حسین(ع) است. او دو بار جان خود را فدای سالار شهیدان می‌کند.



جای خالی ناخدا

سمت سرهنگ که با حالتی بی‌رمق و به‌هم‌ریخته روی تخت دراز کشیده می‌رود و به او آب می‌دهد، خیلی خوشم آمد. از همان موقع، شیوه شخصیت‌پردازی ناصر تقوایی به دلم نشست. بعد از آن، «صادق کرده» و «فرین» را در سینما کاپری (بهمن گدایی) در میدان انقلاب و «رهایی» را در فستیوال کودکان و نوجوانان در سینما پلازا دیدم. رفته‌رفته فهمیدم که چقدر برای این فیلم‌ساز لوکیش و محیطی که در آن حادثه و تراژدی و تقابل آدم‌ها رقم می‌خورد، اهمیت دارد. با این ذهنیت که تقوایی عکاسی را خوب بلد است، نقدها و نوشته‌های سینمایی آن سال‌ها درباره فیلم‌های او را می‌خواندم، ولی به‌ندرت به این موضوع اشاره می‌شد. در زمان نمایش

شوق

صحنه

نگاهی به نمایش آنا کارنینا از آرش عباسی

تهران جلس



احمد طالبی‌نژاد

● «تاک‌شو»‌ها به‌عنوان یکی از پرترفدارترین برنامه‌ها امروزه، خوراک اصلی شبکه‌های تلویزیونی را تشکیل می‌دهند؛ از اوپرا ونفری که سال‌هاست یک تاک‌شوی محبوب را به طور کلی هنرمندان معاصر تبدیل شده، گرفته تا همین رامبد جوان و خندوانه ایرانی. ویژگی مهم تاک‌شو‌ها، صراحت در بیان موضوع‌های اجتماعی، اخلاقی و حتی شخصی و هر چیزی که عطش کنجکاوی‌های توده مردم را فرومی‌نشانند، به شمار می‌رود؛ اینکه میهمانان برنامه به صورت فاکلیترکننده‌ای در معرض پرسش‌های گاه خفنی قرار می‌گیرند و ناگزیر دست به افشاکاری درباره خود می‌زنند. موضوع نمایش «آنا کارنینا» نوشته و کار آرش عباسی نیز همین نکته است که البته به صورت معکوس اتفاق می‌افتد. این‌بار میهمان، میزبان یا شومن را فاکلیتر می‌کند. مجری برنامه پرترفدار «وودی‌شو»، یک ستاره سینما را دعوت کرده که ازقضا همسر سابق او بوده و این میهمان که بهترین کارش بازی در نقش آنا کارنینا در فیلمی به همین نام بوده، فرصت را غنیمت شمرده و رازهای زندگی مشترک خودش را با این شومن فرصت‌طلب که به او خیانت و با دوستش رابطه برقرار کرده، در مقابل میلیون‌ها بیننده برملا می‌کند. این مدل ماجرای دراماتیک نمایش است؛ اما عباسی این موضوع را به مضمونی اخلاقی تبدیل کرده و آینه‌ای در مقابل ما قرار داده تا خود را در آن بنگریم؛ یعنی او در این دوران بی‌اخلاقی‌های مکرر، مخاطبش را به فضاوت درباره خود فرامی‌خواند. مقوله خیانت و بی‌مهری و دیگر پلشتن‌های زندگی خانوادگی را نه در دایره محدود هنرمندان که به صورت وسیع‌تر بیان می‌کند و ما را در معرض این پرسش قرار می‌دهد که چرا در این جهان گسترده که به مدد رسانه‌ها به قول مارشال مک‌لوهان، به قبیله‌ای کوچک تبدیل شده، فضائل اخلاقی، جای خود را به زائل اخلاقی داد است؟ از قرائن برمی‌آید که آرش عباسی در پرداختن از نمایش، گوشه‌چشمی به زندگی خصوصی یکی از شومن‌های ایرانی داشته و طرز راه‌رفتن و حتی برخی دیالوگ‌های وودی و دیگر نشانه‌هایی که در متن و اجرا می‌بینیم، به‌هرحال یادآور شخص یادشده است. هرچند ماجرا در یک شبکه تلویزیونی آمریکایی اتفاق می‌افتد و به قول هابش، «دخلی به رسانه ملی ما ندارد؛ چراکه برنامه‌سازان ما علی‌القاعده، موجوداتی پاک، پاکیزه و منزّه از هرگونه آلودگی اخلاقی‌اند و سیرت و صورتشان نمادی از انسان‌های کامل است و ...» همه شباهتی با این فرمایش حافظ بزرگ ندارند که ...» چون به خلوت می‌روند...». در واقع نمی‌شود گفت موضوع نمایش در جایی به نام «تهران‌جلس» اتفاق می‌افتد. پس بنا را بر این می‌گذاریم که «نا‌شادالله می‌زاست» و از هرگونه مشابه‌سازی درمی‌گذریم و بی‌پزدانیم به این نکته که با توجه به دو کاری که از این نمایش‌نامه‌نویس و کارگردان دیدیم – نویسنده مرده است که سال گذشته بر صحنه رفت و همین آنا کارنینا– می‌توان نوید داد که نویسنده‌ای بزرگ در راه است (ممکن است کارهای دیگری هم از او بر صحنه رفته باشد که نگارنده از آن بی‌خبر است)، مشروط بر اینکه تمرکز اصلی‌اش بر درام‌نویسی باشد و کارگردانی آقا‌ارش را تا حد امکان به دیگران بسپارد. این حرف به این معنا نیست که او کارگردانی بلد نیست، بلکه به این معناست که قلمش از قدمش بسیار قوی‌تر عمل می‌کند، به‌هرحال کم نبوده‌اند درام‌نویسانی که هرگز هوس کارگردانی نکرده‌اند. هرچند در زمینه انتخاب بازیگر، هم در کار پیشین که خودش و لادن مستوفی بازی می‌کردند و هم در آنا کارنینا که دو بازیگر توانا با نام‌های معصومه رحمانی و بهنام شرفی، تنها بازیگرانش هستند. درست و زیرکانه عمل کرده است و البته باید گفت بخشی از موفقیت کارگردان، مدیون انتخاب‌های درست است. در واقع آنچه این نمایش پردیالوگ و دانشوار را به اثری جذاب و روان تبدیل کرده، بیشتر ناشی از بازی‌های روان و یکدستی است که روی صحنه شاهد هستیم. با این وجود، چنان که به خود عباسی هم گفتیم، بهتر بود این متن بسیار دقیق، روان‌کاوانه و افشاگرانه را کارگردانی مسلط‌تر به صحنه می‌برد تا به یکی از بهترین آثار سال‌های اخیر تئاتر این تبدیل شود. آنا کارنینا برخلاف نامش، حتی دیوارکوبش (پلاکارد و پوستر) هم که در آن دو شخصیت نمایش با لباس‌های کلاسیک دوران تزارها ظاهر شده‌اند، هیچ ربطی به تولستوی ندارد و در واقع یک جور واگرفتن از یک اثر ماندگار ادبیات کلاسیک روسیه است. می‌شود بابت این وام‌گیری به‌ویژه طرحی دیوارکوب و معرفی‌نامه (بروشور) با عکسی که ذکر شد، کارگردان را مؤاخذه کرد؛ اما این متن و حتی اجرا آن‌قدر ارزشمند و هنرمندانه است که بر این خطای کوچک چشم بندیدم. من از این پس اگر زنده ماندم، حتما خواننده و بیننده آثار قلمی این نویسنده خواهم بود.

برگزاری سمینار سالانه انجمن فلوت ایران
کروه هنر: انجمن فلوت ایران هفتمین سمینار سالانه خود را تحت عنوان «لدت نوازندگی موتزارت» از ۲۰ تا ۲۲ تیر در دانشگاه تهران برگزار خواهد کرد. آذین موحد، مدیر گروه موسیقی دانشگاه تهران، پژوهشگر، مدرس و نوازنده فلوت درباره این سمینار گفت: برعکس سمینارهای گذشته که گرایش به طرح مباحث بنیادین در نوازندگی و پداگوژی فلوت داشته است، این سمینار با گرایش خاص به معرفی اصول نوازندگی در آثار آهنگ‌ساز شهیر اروپا، ولفگانگ آمادئوس موتزارت، برگزار خواهد شد. او در ادامه گفت: کارگاه‌های تخصصی و مسترکلاس‌ها، شرکت‌کنندگان را با مباحث مهم در درک موسیقی موتزارت آشنا خواهد کرد. او درباره دیگر فعالیت‌های این سمینار توضیح داد: حضور متخصصان مختلف از جمله پیانیست و موتزارت‌شناس آلمانی، هانس اودو کروئلس، برای برگزاری کنسرت پژوهشی درباره «موتزارت کودک» که با بررسی سونات‌های فلوت ۱۲۰K ۱۴۰K که موتزارت در سن هشت‌سالگی نوشته است، شرکت‌کنندگان را با هسته خلاقیت و نبوغ در آهنگ‌سازی موتزارت آشنا خواهد کرد. موحد همچنین افزود، این‌جانب به همراه استادان شناخته‌شده فلوت مانند سعید تقدسی و فیروزه نوبلی مسترکلاس‌های مختلفی برگزار خواهیم کرد. همچنین تحلیل موسیقی فیلم «آماندوس» به‌وسیله ساسان مجبی (متخصص آهنگ‌سازی فیلم و پداگوگ پیانو) و بررسی جایگاه موتزارت از دیدگاه اتنوموزیکولوژی به‌وسیله میترآ جهانبوده (نوازنده فلوت و متخصص اتنوموزیکولوژی) در کنار کارگاه‌های سبک‌شناسی موتزارت و اصول بداهه‌پردازی بر آثار موتزارت، برگزار خواهند شد. علاقه‌مندان برای اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام می‌توانند به آدرس www.iranflutesociety.org مراجعه کنند.

این دوران با «ناخدا خورشید» رو می‌کند و یک تجربه گران‌قدر و ماندگار و تکرارنشدهی در سینمای داستانی ما به ثبت می‌رساند. بدون اغراق باید بگویم که این فیلم یک کلاس درس سینمایی از نظر شیوه روایت‌پردازی، اقتباس ادبی، ایجاز در دیالوگ‌نویسی، شخصیت‌پردازی و ارائه تصویری نافذ از قهرمان، فضاسازی، میزاس و قاب‌بندی، بازیگری و موقعیت‌های درخشان نمایشی است. هربار که «ناخدا خورشید» را می‌بینم، داغ دلم تازه می‌شود که چرا این فیلم‌ساز خوش‌فریحه سال‌هاست که دیگر فیلم نمی‌سازد؟ تقوایی نوشته‌اند «مجموعه‌مانده بعدی‌اش» این «ایران» نیز توانایی‌های انکارناپذیری‌اش را در کار با دستمای‌های آمیخته با طنز و هجو و مفاهیم سیاسی و ملی نشان می‌دهد و ما در یک دوره تاریخی معاصر با شکل دیگری از آسیب‌شناسی روحیه و تبار ایرانی که در «دایی‌جان ناپلئون» شاهدش بودیم، روبه‌رو می‌شویم، متأسفانه این دو فیلم اخیر، از وشتم داوران جشنواره فیلم فجر دور می‌ماند و ارزش‌های واقعی‌شان کشف نمی‌شود. «کاغذ بی‌خط»، آخرین فیلم بلند به نمایش عمومی درآمده تقوایی است. او در اینجا ضمن ادای دین به تاریخ سینما، نگاهی کنایه‌آمیز و تاویل‌پذیر به جامعه‌ای دارد که نشانه‌ها و ابزار مدرنیته را در یک سیکل معیوب و همراه با چهره‌ای هولناک از «استبداد» طی می‌کند. تلاش‌های بعدی ناصر تقوایی در به‌سرانجام‌رساندن پروژه‌های «رومی و زنگی» و «چای تلخ» عقیم می‌ماند و به جز یکی، دو کار مستند و برگزاری نمایشگاه عکاسی، غیبت طولانی و اندوهناکش را در سینه‌های حرفه‌ای‌مان شادیم، سالگرد تولد او بهانه‌ای است برای تسکین‌دادن خود و یادآوری جای بسیار خالی‌اش در سینمای هویت‌باخته این سال‌ها.